



Prediction of Religious adherence based on locus of control and attachment style in female students

Maryam Sayad Shirazi^{*1}, Maryam Vafadari Mehreezi²

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Women Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran

2. MA of Positive (Islamic) Psychology, Department of Psychology and Counseling, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

Citation: Sayad Shirazi, M., & Vafadari, M. (2022). Prediction of religious adherence based on source of control and attachment style in female students. *Clinical Psychology Achievements*, 8(3), 193-205

Abstract

The purpose of this research is to predict religious adherence based on the locus of control and attachment styles in female students. In this descriptive-correlational study, 318 students (including 287 single people and 31 married people) with the age range of 18 to 45 years were selected by available methods. To collect data, scales of religious adherence were used based on the propositions of the Quran and Nahj al-Balaghah (Jan Bozouri, 2009), adult attachment (Bashart, 2011, 2011), and Rutter's internal-external locus of control (1966). Pearson's correlation coefficient was used to investigate the simple relationship between the variables, and multiple regression analysis was used to investigate the multiple relationships between the variables. The research results show that the relationship between secure attachment style and religious adherence is positive and meaningful, and the relationship between avoidant and ambivalent attachment style and religious adherence is negative and significant. Also, the relationship between the locus of control and religious adherence is positive and significant ($p \geq 0.01$). Therefore, it can be concluded that to increase students' religious adherence, their attachment style should become a secure attachment and their locus of control should become a locus of internal control.

Keywords: religious adherence, locus of control, attachment style, students

* **Corresponding Author:** Maryam Sayad Shirazi

E-mail: ma.sayad@alzahra.ac.ir



© 2022 The Author(s). Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



پیش‌بینی پایبندی مذهبی بر اساس منبع کنترل و سبک دلبستگی در دانشجویان دختر

مریم صیاد شیرازی^{۱*}، مریم وفاداری مهریزی^۲

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران
۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرا (اسلامی)، گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

چکیده

هدف از این پژوهش پیش‌بینی پایبندی مذهبی بر اساس منبع کنترل و سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دختر می‌باشد. در این پژوهش توصیفی-همبستگی، ۳۱۸ دانشجوی (شامل ۲۸۷ نفر مجرد و ۳۱ نفر متأهل) با دامنه سنی ۱۸ تا ۴۵ سال به روش در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس‌های پایبندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸)، دلبستگی بزرگسال (بشارت، ۱۳۹۲) و منبع کنترل درونی-بیرونی راتر (۱۹۶۶) استفاده شد. برای بررسی رابطه ساده بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی رابطه چندگانه بین متغیرها از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با پایبندی مذهبی مثبت و معنادار و رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با پایبندی مذهبی منفی و معنادار می‌باشد. همچنین رابطه بین منبع کنترل با پایبندی دینی مثبت و معنادار است ($P \leq 0/01$). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت برای افزایش پایبندی مذهبی دانشجویان باید سبک دلبستگی آنها در جهت دلبستگی ایمن و منبع کنترل آنها تبدیل به منبع کنترل درونی شود.

کلیدواژه‌ها: پایبندی مذهبی، منبع کنترل، سبک دلبستگی، دانشجویان

مقدمه

یکی از مهمترین عواملی که به تجارب، رفتارها و ارزش‌های انسان؛ معنا و ساختار می‌بخشد، مذهب و معنویت است. دین، نظام اعتقادی سازمان یافته‌ای است که با مجموعه‌ای از آیین‌ها و اعمال تعریف شده، تعیین‌کننده شیوه پاسخ‌دهی افراد به تجارب زندگی است (فروزش، روشن چسلی، غلامی فشارکی، محسنی‌زاده، ۱۳۹۸). مذهب یا دین، نظامی سازمان‌یافته از اعتقادات، اعمال، مناسک و نمادهایی است که برای تسهیل در تقرب به الهه مقدس طراحی شده است (Santero, Daray, Prado, Hernández-Vásquez, Irazola, 2019). به نقل از مرتضایی، بهرامی‌احسان، رضازاده و فیروزی، (۱۴۰۱). دین از مهمترین تکیه‌گاه‌های روانی به شمار می‌رود که می‌تواند معنای زندگی را در لحظه لحظه‌های عمر فراهم کند و شیوه مؤثری برای مقابله با مصائب و تجارب دردناک است (کیانی، ۱۳۸۹، ص ۹۶؛ به نقل از آشناد، رضاییان بیلندی، احمدی، ۱۳۹۹). به نظر می‌رسد که معنویت و مذهب با حالات خلقی و ابعاد مثبت سلامت روانی، رابطه دارند (Aglozo et al., 2021؛ Garsson, Visser & Pool, 2021). به نقل از تنهای رشوانلو، عباسی‌فر، کارشکی، ارخودی قلعه‌نویی، ۱۴۰۰). مذهب، نیروی چشمگیری در هدایت هیجانی پیروانش دارد و عنصر منحصر به فرد در هدایت رفتار و خودنظم‌جویی هیجانی محسوب می‌شود (نریمانی، ایل بیگی‌قلعه‌نی و رستمی، ۱۳۹۳؛ به نقل از محمودپور، دهقان‌پور و وظیفه‌دان، ۱۳۹۹). پایبندی مذهبی موجب می‌شود فرد افکار، اعمال و امیال خود را بر اساس معیارهای مذهبی تنظیم کند و سعی می‌کند در همه رویدادهای زندگی، خدا را شاهد و ناظر اعمال خود ببیند و بر طبق اصول و موازین دین عمل کند (نوابخش و پوریوسفی، ۱۳۸۵، ص ۷۱-۹۴؛ به نقل از فروزش، روشن چسلی، غلامی فشارکی، محسنی‌زاده، ۱۳۹۸).

نظریه منبع کنترل از نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (Bandura) نشأت گرفته است که به اعتقاد افراد به چگونگی کنترل محیط اشاره دارد (ایمر و گرکز، ۱۳۹۶؛ به نقل از رضازاده، رضایی، حمیدی، بنی‌مهد، ۱۴۰۲). منبع کنترل در یک پیوستار قرار دارد؛ به طوری که افرادی که معتقدند زندگی آن‌ها عمدتاً تحت کنترل نیروهای بیرونی (شانس و افراد قدرتمند) است، در انتهای پیوستار قرار می‌گیرند؛ در حالی که کسانی که بر این باور هستند که عموماً زندگی خود را کنترل می‌کنند (درونی‌ها)، در انتهای دیگر پیوستار قرار می‌گیرند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۵؛ به نقل از رضازاده، رضایی، حمیدی، بنی‌مهد، ۱۴۰۲). کانون کنترل، خصیصه‌ای شخصیتی است که ابتدا توسط (Rutter, 1966) مطرح شد. راتر، کانون کنترل را انتظار کلی فرد از نتایج یک رویداد تعریف می‌کند که یا در درون یا در بیرون از کنترل و فهم شخصی وجود دارد (قهرمانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ به نقل از قموشی، میرکمالی، احتشام، ۱۴۰۱). کانون کنترل به نگرش یا اعتقاد افراد در اینکه آیا بر سرنوشت خود تسلط دارند یا خیر برمی‌گردد (میرکمالی، ۱۳۹۳؛ به نقل از قموشی، میرکمالی، احتشام، ۱۴۰۱). به عبارتی کانون کنترل، اشاره به حوزه‌ای دارد که افراد عوامل درونی یا بیرونی را بر پیامدهای مورد نظر خود مؤثر می‌دانند. عوامل درونی به عنوان باور به مهارت‌ها و توانایی خود در کنترل زندگی تعریف شده است. در حالی که عوامل بیرونی به عنوان باور بر بدیهی بودن محدودیت‌های محیطی و قدرت دیگران در کنترل زندگی خود می‌دانند (Ren et al, 2017؛ به نقل از قموشی، میرکمالی، احتشام، ۱۴۰۱).

سبک دلبستگی یکی از متغیرهای باثبات شخصیتی است که از رابطه والد و کودک در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد. هر چند دلبستگی با خلق و خو و ویژگی‌های سرشتی در تعامل است، اما بیش از آن می‌تواند صلاحیت اجتماعی آینده فرد را تعیین کند (Groh, Narayan, Bakermans-kranenburg, 2017)؛ به نقل از عظیم‌پور، نعمتی هابیل، هادیان‌فرد، ۱۳۹۹). الگوی دلبستگی کودکان اولین بار توسط بالبی (Bowlby) مطرح شد و توسط Ainsworth گسترش پیدا کرد و توسط هازن و شاور (Hazan & shaver) در ۱۹۸۷ در سه گروه دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای روابط دلبستگی بزرگسالان تقسیم‌بندی شد. بر اساس نظریات بالبی، دلبستگی به معنای پیوند عاطفی است که در کودکی بین کودک و مراقب اصلی وی شکل می‌گیرد و بر رشد اجتماعی و احساس کودک در کل زندگی مؤثر است (افشاری، ۱۴۰۱). در اصطلاح نظریه کلاسیک دلبستگی؛ بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن، آن دسته از افرادی هستند که نسبت به خود نگرش مثبت دارند و در ارتباطشان متعهد هستند و در روابطشان احساس صمیمیت می‌کنند. بزرگسالان با سبک دلبستگی

دوسوگرا با عدم تعادل در احساسات و تعارضات بیشتر مشخص می‌شوند. بزرگسالان دارای سبک اجتنابی دارای هراس از نزدیکی و صمیمیت هستند و به هیچ‌وجه خواهان نزدیکی هیجانی نبوده و خودمختاری را ترجیح می‌دهند (افشاری، ۱۴۰۱). پیشینه ادبیات مرتبط با سبک‌های دلبستگی بزرگسالان، به شدت از اهمیت دلبستگی ایمن برای بهبود عملکرد بین فردی حمایت می‌کند (Kamenov, 2007, Adamczyk, Bookwala, 2013؛ به نقل از حسینی، تاجیک اسماعیلی، محسن‌زاده، ۱۴۰۰). سبک دلبستگی می‌تواند زمینه‌ساز نحوه مواجهه فرد با مسائل زندگی باشد و شیوه نگرش فرد را نسبت به مسائل و مشکلات مشخص سازد (محمودپور، فرحبخش، حسینی و بلوچ‌زاده، ۱۳۹۷). همچنین سبک دلبستگی، تعیین‌کننده آمادگی افراد برای حل و فصل مشکلات و واکنش‌های فرد در برابر مسائل اجتماعی و ناکامی‌هاست (مهرابی‌زاده هنرمند، فتحی و شهینی‌بیلاق، ۱۳۸۸؛ Yusmarhaini & John, 2013؛ به نقل از محمودپور، دهقان‌پور و وظیفه‌دان، ۱۳۹۹).

به اعتقاد فونتولاکیس و همکاران (Fountoulakis et al., 2008) باور به اینکه خدایی هست که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و ناظر بر بندگان است تا حد بسیار زیادی، اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، این افراد معتقدند که می‌توان با اتکاء به خداوند، موقعیت‌های غیر قابل کنترل را تحت کنترل درآورد (کلانتر هرمزی، عسلی طالکوثی و مرادی لیاولی، ۱۳۹۴). برای کسانی که به واقعیت و حضور خداوند اعتقاد دارند؛ استناد به عامل الهی در پیامدها، مؤلفه اساسی در تعبیر و تفسیر وقایع است. مذهب با ارائه دو نوع کنترل درونی و بیرونی تا حد توان به فرد این قدرت را می‌دهد که در زندگی تلاش کند و در امور غیر قابل کنترل به خداوند پناه ببرد (غلامی چهکنند، محمدزاده قصر و سعیدی رضوانی، ۱۳۹۶). خودکنترلی (Self-control) ظرفیت فرد برای بازداري تکانه‌های نامطلوب از لحاظ اجتماعی و تنظیم رفتار، افکار و هیجانات خود است (Tangney, Baumeister, Boone, 2004)، از طرف دیگر پایبندی مذهبی به ویژه از طریق تأثیرگذاری بر انتخاب هدف با خودکنترلی مرتبط است (McCullogh & Willoughby, 2010؛ به نقل از خالقیان، سجادیان، فاتحی‌زاده، منشی، ۱۳۹۸). تأثیرات مذهب بر انتخاب هدف، شامل عواملی از قبیل تعیین اهمیت و میزان اخلاقی بودن اهداف می‌شود. تأثیر دیگر مذهب بر خودکنترلی، خودبازبینی (Self-monitoring) است. بنابراین پایبندی مذهبی؛ استفاده از خودتنظیمی و خودکنترلی رفتار را یا به واسطه ناظر دانستن خداوند و یا وجود کنترل اجتماعی افزایش می‌دهد (McCullogh & Willoughby, 2010؛ Welch, Charles & grasmick, 2006؛ به نقل از خالقیان، سجادیان، فاتحی‌زاده، منشی، ۱۳۹۸). افراد زمانی که در رویارویی با عوامل استرس‌زا در مدتی طولانی قرار می‌گیرند، تلاش می‌کنند برای کاهش پریشانی خود دست به مقابله بزنند و داشتن نگرش مذهبی و عمل به آن، می‌تواند یکی از روش‌های مقابله‌ای و اثرگذار در تحمل پریشانی باشد (Martinez & Custodio, 2014, Gomez & Fisher, 2003؛ به نقل از محمودپور، دهقان‌پور و وظیفه‌دان، ۱۳۹۹).

مرور پژوهش‌های انجام شده پیرامون مذهب و پایبندی مذهبی و ارتباط این متغیر با سبک دلبستگی؛ حاکی از ارتباط مثبت و معنی‌دار این دو متغیر با یکدیگر است. صاحب‌نظران در تبیین روان‌شناختی دینداری و نقش سلامت‌آفرین آن، سهم بیشتر را برای سبکی از دینداری که جهت‌گیری آن درونی است، قائل شده‌اند. بنا به عقیده آلپورت (۱۹۶۷) اعمال مذهبی افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند، از عقیده و علم باطنی آنها نشأت می‌گیرد. بر عکس، افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی هستند، برای کسب منافع شخصی، رفتار مذهبی نشان می‌دهند. همچنین، جهت‌گیری مذهبی درونی بدون آگاهی و درک حضور خدا و برقراری ارتباط دلبستگی با خدا نمی‌تواند معنا دار باشد (نورعلی‌زاده میانجی، ۱۳۹۴، ص ۱۰؛ به نقل از آشناد، رضاییان بیلندی، احمدی، ۱۳۹۹). دلبستگی به خداوند از نظر دینی پایه‌های محکمی دارد که در آن، خداوند به عنوان اجابت‌کننده دعا، پاسخ‌دهنده به نیاز انسان و کمک‌کننده در شرایط سخت و بحرانی دانسته می‌شود و این عملکرد دلبستگی ایمن است که با سلامت روانی و معنوی ارتباط تنگاتنگی دارد (غباری‌بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰؛ به نقل از براتیان، شمسایی، ۱۳۹۸). همچنین مطالعات گرانکوویست (Granqvist, 2005) نشان داده است که ارتباط افراد با خدا، شباهت چشمگیری به دلبستگی کودک به مراقبش دارد. در هنگام استرس، سیستم دلبستگی فعال شده و فرد ناایمن، خدا را به عنوان پناهگاه مطمئن جستجو می‌کند (Granqvist, 2005).

Besharat, Golinejad & Ahmadi, 2003؛ به نقل از محمودی ریحانی و صفرزاده، ۱۳۹۷). سبک‌های دلبستگی در افراد با عقاید مذهبی یا فاقد این نوع عقاید به شکل‌های متفاوتی بروز پیدا می‌کند که از آن جمله می‌توان به نتایج پژوهش‌های پیشین در این زمینه اشاره نمود. به طور مثال: ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و تصویرسازی ذهنی عشق به خدا، مثبت است و سبک دلبستگی نایمن، ارتباطی با وابستگی‌های مذهبی افراد ندارد. در هر حال، بیشتر پژوهش‌های پیشین بین دلبستگی ایمن و دینداری ارتباط مثبت نشان داده‌اند (نیک‌منش و همکاران، ۱۳۹۵؛ به نقل از وجدانی، کرمی و احمدی، ۱۳۹۹). کرک (Kerk, 2005) معتقد است که افراد دلبسته اجتنابی، خدا را دور از دسترس می‌پندارند و دارای انگیزه‌های مذهبی-بیرونی هستند (وجدانی، کرمی و احمدی، ۱۳۹۹). از این رو بین دلبستگی به خدا و بهزیستی روان‌شناختی رابطه وجود دارد و در عین حال ویژگی‌های بهنجار و نابهنجار روابط بین فردی به گونه‌ای عمیق از سبک دلبستگی اشخاص تأثیر می‌پذیرد (Bradshaw, Kent, 2018؛ به نقل از محمودی ریحانی و صفرزاده، ۱۳۹۷).

دانشگاه از جمله مهمترین مجموعه‌های انسانی در هر جامعه است و دانشجویان به عنوان قشر آینده‌ساز جامعه در پیشرفت اجتماع نقش مهمی دارند. از سوی دیگر، از جمله وظایف مراکز دانشگاهی، ترویج ارزش‌های اخلاقی بین دانشجویان است تا شکوفایی توانمندی‌های دانشجویان فراهم شود و بستر لازم جهت رشد همه‌جانبه شخصیتی، عاطفی، رفتاری و فکری آنان حاصل گردد (مرکز ارزش‌های بنیادی تحصیل درست (The center for academic integrity, 2008؛ به نقل از ترک براهویی، عرب، نیک‌منش، ۱۳۹۹). دانشگاه‌ها همواره با چالش‌های اخلاقی مواجه هستند و از آنجا که قشر دانشجو به عنوان قشر اثرگذار که آینده جامعه را رقم می‌زند، مباحث اخلاقی در این قشر از اهمیت به سزایی برخوردار است. جوانان اغلب در معرض یک دنیای بی‌سامان پر از خشونت، مواد مخدر، ستمکاری و بی‌نزاکتی قرار می‌گیرند؛ در برابر چنین دنیایی، دین باید تقویت اخلاق کند و مذهب می‌تواند با دراختیار قرار دادن رفتار و سبک زندگی ویژه‌ای، مانند یک سپر دفاعی افراد را در برابر عوامل زیان‌بار و تنش‌زای محیطی حفاظت کند (ترک براهویی، عرب، نیک‌منش، ۱۳۹۹). مذهب همواره در طی تاریخ حیات بشر با او همراه بوده و در هیچ دوره و زمانی بشر، بدون اعتقادات مذهبی نبوده است. مذهب از طریق برقراری یک نظم اجتماعی، تدارک فرصت‌هایی برای به دست آوردن شایستگی‌های یادگرفته شده و تهیه قوانین اجتماعی نقش مؤثری در بروز یا پیشگیری از مشکلات اجتماعی و اخلاقی، سلامت جسمانی و حتی مسائل بهداشت روانی دارد (Burg, Mayers, Rasic et al, 2009؛ Vachon, 2008؛ Miller, 2001؛ Yonker & DeHan, 2012؛ به نقل از ترک براهویی، عرب، نیک‌منش، ۱۳۹۹).

جهت‌گیری مذهبی درونی در زنان، عزت نفس را برای انجام موفقیت‌آمیز تکالیف و همچنین افزایش لذت و انرژی و در نهایت افزایش بهزیستی روانی فراهم می‌سازد. این مسئله از سویی هم در امتداد اثرات مثبت افزایش پایه‌های دینی و جهت‌گیری مذهبی درونی بوده و هم در افزایش بهزیستی روان‌شناختی، نقش حیاتی را ایفا می‌کند. جهت‌گیری مذهبی درونی در جنس زنانه دارای اثرگذاری بالاتری است و با کمک اثرپذیری عاطفی با واسطه‌گری عزت نفس، زمینه سلامت روانی بیشتری را در فرایند تحولات هیجانی-شناختی-رفتاری به ویژه برای آنها فراهم می‌سازد (رضاییان بیلندی، رحمتی، رضوانی دیوکلائی، ۱۴۰۲). هر چند مرور پیشینه‌های قبلی، نقش تعدیل‌کنندگی دین و مذهب بر منبع کنترل و سبک دلبستگی را تأیید می‌کند، اما پژوهشی که به پیش‌بینی نقش تعدیل‌کنندگی پایبندی مذهبی در رابطه بین منبع کنترل و سبک‌های دلبستگی پرداخته باشد، یافت نشد. بنابراین با توجه به ظرفیت بالقوه مذهبی فرهنگ بومی کشور، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا پایبندی مذهبی می‌تواند منبع کنترل و سبک‌های دلبستگی را در دانشجویان پیش‌بینی کند؟ نتایج مطالعاتی از این نوع می‌تواند در دو سطح پیشگیری و درمان به طور موثرتر به آموزش مباحث دینی و مذهبی به دانشجویان، راهنمایی و مشاوره و حل مشکلات آنها در این حوزه کمک کند.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پیروی از اصول اخلاق پژوهش: برای رعایت اصول اخلاقی، شرکت‌کنندگان به صورت داوطلبانه و با رضایت آگاهانه در پژوهش شرکت نمودند و هیچ نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی آنان نبود و تأکید شد که اطلاعات آنها به صورت کاملاً

محرمانه باقی خواهد ماند. روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۳۱۸ نفر از دانشجویان (۲۸۷ نفر مجرد و ۳۱ نفر متأهل) با دامنه سنی ۱۸ تا ۴۵ سال بودند. ۷۳ درصد از شرکت‌کنندگان از مقطع کارشناسی، ۲۳/۳ درصد از مقطع کارشناسی ارشد و ۷/۷ درصد نیز از مقطع دکتری بودند و از این تعداد افراد ۸۹/۳ درصد فقط دانشجوی بودند و فقط ۱۰/۷ درصد از افراد دارای شغل بودند.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه پایبندی مذهبی (بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه): این پرسش‌نامه با ۶۰ سؤال، اولین بار توسط جان‌بزرگی (۱۳۸۸) تدوین و اعتباریابی شد که به سنجش سه عامل پایبندی دینی، دوسوگرایی دینی و ناپایبندی دینی می‌پردازد. این پرسش‌نامه دارای همسانی درونی مطلوبی بوده و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱ درصد را گزارش کرده است. نتایج تحلیل عاملی یا تحلیل اکتشافی ۶ عامل و سپس با تحلیل تجویزی ۳ عامل، بیانگر تبیین درصد قابل توجهی از واریانس متغیر مورد نظر و همبستگی آزمون مورد نظر با آزمون جهت‌گیری دینی آلپورت (Allport-Ross Religious Orientation Scale (ROS است.

پرسش‌نامه دلبستگی بزرگسال (AAI): این پرسش‌نامه توسط بشارت (۱۳۹۲، ۲۰۱۱) تدوین و اعتباریابی شد که به سنجش سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا (اجتنابی) می‌پردازد. مقیاس دلبستگی بزرگسال بر حسب هدف‌های اختصاصی هر پژوهش به دو صورت ۱۵ و ۳ ماده‌ای قابل اجرا است. شکل ۱۵ ماده‌ای برای «سنجش دلبستگی به دیگران به طور کلی» مناسب‌تر است که منظور از دیگران افراد نزدیک مثل مادر، پدر، همسر و دوستان است. شکل ۳ ماده‌ای مقیاس، به تفکیک دلبستگی به مادر، پدر، همسر و دوستان را برحسب سه عبارت که هر یک تعیین‌کننده یک سبک دلبستگی است، می‌سنجد. مقیاس دلبستگی بزرگسالان با استفاده از مواد سه آزمون قبلی دلبستگی توسط بشارت (Besharat, 2011) در ۲۵ ماده و طیف پاسخ‌دهی از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) ساخته شده و بر نمونه‌هایی از جامعه ایرانی هنجاریابی شده است. در مطالعه نامبردگان سه زیرمقیاس ایمن، اجتنابی و دوسوگرا دارای ضریب همسانی درونی ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۹۰ بودند. در این پژوهش نسخه ۱۵ ماده‌ای این پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت. نسخه ضریب آلفای کرونباخ هر یک از زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا مورد یک نمونه دانشجویی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴ و ۰/۸۵ بوده است (بشارت و گنجی، ۱۳۹۱؛ به نقل از عظیم‌پور، نعمتی هابیل و هادیان‌فرد، ۱۳۹۹).

پرسش‌نامه کنترل درونی-بیرونی راتر: این پرسش‌نامه توسط راتر (۱۹۶۶) برای سنجش انتظارات افراد درباره منبع کنترل تدوین شده و دارای ۲۹ ماده است که هر یک دارای یک جفت سؤال (الف و ب) می‌باشد. راتر ۲۳ ماده از این پرسش‌نامه را با هدف مشخص، جهت روشن شدن انتظارات افراد درباره منبع کنترل تدوین کرده و ۶ ماده دیگر هدف آزمون را با لباس مبدل دنبال می‌کند که این ماده‌های خنثی، ساختار و بُعد اندازه‌گیری شده را برای آزمودنی مبهم می‌سازد. میزان ضریب بازآزمایی این پرسش‌نامه بین ۰/۴۰ تا ۰/۸۳ گزارش شده است. صوری‌مقدم (به نقل از یاریاری، مرادی و یحیی‌زاده، ۱۳۸۶) در سال ۱۳۷۲ ضریب پایایی مقیاس راتر را با استفاده از روش تصنیف حدود ۰/۸۱ به دست آورده است. موفق (به نقل از یاریاری، مرادی و یحیی‌زاده، ۱۳۸۶) در سال ۱۳۷۵ روایی این مقیاس را با استفاده از روایی ملاک همزمان با منبع کنترل نوکی استریکلند (Nowicki-Strickland Locus of Control Scale) به عنوان ملاک، ۰/۳۹ به دست آورد.

در پژوهش حاضر برای بررسی پایایی مقیاس‌های مورد استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده است که مقادیر آلفای کرونباخ برای متغیرهای منبع کنترل، سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا و نیز متغیر پایبندی مذهبی به ترتیب با مقادیر ۰/۹۲۲، ۰/۸۷۸، ۰/۸۳۴، ۰/۸۵۸ و ۰/۹۰۳ محاسبه شد که مقایر بالای ۰/۷ برای ضرایب به دست آمده نشان‌دهنده پایایی پرسش‌نامه‌ها می‌باشد.

یافته‌ها

آمار توصیفی شامل شاخص‌های میانگین و انحراف معیار و نیز ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
منبع کنترل	۱۱/۸۱	۴/۱۱	۱	۲۳
سبک دلبستگی ایمن	۱۴/۶۸	۴/۱۲	۵	۲۵
سبک دلبستگی اجتنابی	۱۴/۰۹	۳/۷۹	۵	۲۵
سبک دلبستگی دوسوگرا	۱۴/۱۹	۳/۹۵	۵	۲۵
پایبندی دینی	۷۲/۴۸	۲۳/۱۶	۲۲	۱۱۰

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین منبع کنترل، سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا و پایبندی مذهبی به ترتیب ۱۱/۸۱، ۱۴/۶۸، ۱۴/۰۹، ۱۴/۱۹ و ۷۲/۴۸ به دست آمده است. همچنین بررسی وضعیت نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنف نشان داد که مقدار آزمون برای متغیرهای منبع کنترل، سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا و نیز متغیر پایبندی مذهبی به ترتیب با مقادیر ۰/۱۴۵۶، ۰/۱۲۳، ۰/۰۶۹، ۰/۰۶۵ و ۰/۰۶۵ محاسبه شد. بر اساس نتایج به دست آمده، چون مقدار آزمون کولموگروف-اسمیرنف در سطح $P \leq 0/05$ معنادار نبود، بنابراین مفروضه نرمال بودن داده‌ها برقرار است و می‌توان از آزمون پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه برای تحلیل داده‌ها استفاده نمود.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ماتریس متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
منبع کنترل	۱				
سبک دلبستگی ایمن	۰/۲۹۹**	۱			
سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۱۶۱**	۰/۴۳۶**	۱		
سبک دلبستگی دوسوگرا	۰/۰۹۰	-۰/۱۷۹**	۰/۳۵۱**	۱	
پایبندی دینی	۰/۲۰۸**	۰/۴۱۰**	-۰/۲۴۵**	-۰/۲۵۲**	۱

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با پایبندی مذهبی، با مقدار $r = 0/410$ مثبت و معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر، هرچه قدر سبک دلبستگی ایمن در افراد نمونه بالاتر باشد، پایبندی دینی در آنها بیشتر است و بالعکس. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده (جدول ۲)، رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا با پایبندی مذهبی، به ترتیب با مقدار $r = -0/245$ و $r = -0/252$ منفی و معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر، هرچه قدر سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا در افراد نمونه بالاتر باشد، پایبندی مذهبی در آنها کمتر است و بالعکس. همچنین نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که رابطه بین منبع کنترل با پایبندی مذهبی، با مقدار $r = 0/208$ مثبت و معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر، هرچه قدر منبع کنترل در افراد نمونه بالاتر باشد، پایبندی مذهبی در آنها بیشتر است و بالعکس. قابل ذکر است که ماتریس همبستگی بین متغیرها در سطح $p \leq 0/01$ معنادار می‌باشد. برای بررسی رابطه‌ی چندگانه بین منبع کنترل و سبک‌های دلبستگی با پایبندی مذهبی، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. نتایج تحلیل آماری این فرضیه در جدول‌های ۳ و ۴ آمده است.

جدول ۳. ضریب همبستگی و ضریب تبیین متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیون در پیش‌بینی پایبندی مذهبی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین (R^2)	F	سطح معناداری
۱	۰/۴۶۵	۰/۲۰۸	۲۰/۵۵۷	۰/۰۰۱

a پیش‌بینی‌کننده‌ها: (ثابت)، منبع کنترل و سبک‌های دلبستگی

آماره دوربین واتسون: ۱/۸۸۶

متغیر وابسته: پایبندی دینی

از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسون به دست آمده (۱/۸۸۶) در جدول ۳ کمتر از ۲/۵ است، می‌توان فرض استقلال جملات خطای رگرسیون را پذیرفت. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که در مدل رگرسیون پیش‌بینی پایبندی دینی از روی منبع کنترل و سبک‌های دلبستگی، ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۲۰۸ به دست آمده است. به عبارت دیگر، منبع کنترل و سبک‌های دلبستگی روی هم، ۲۰/۸ درصد از واریانس پایبندی دینی را تبیین می‌کند. همچنین نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، مقدار F محاسبه شده برای تحلیل رگرسیون معنادار هستند ($p < ۰/۰۵$) و بنابراین، معادله رگرسیون انجام شده از لحاظ آماری معنادار است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون متغیرهای وارد شده در پیش‌بینی پایبندی مذهبی

مدل	متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		ارزش t	سطح معنی‌داری
		B	انحراف استاندارد	$Beta$			
	ثابت	۵۴/۴۸۳	۸/۹۹۵			۰۶/۰۵۷	۰/۰۰۱
	منبع کنترل	۰/۴۸۹	۰/۲۹۸	۰/۰۸۷		۰۱/۶۴۲	۰/۱۰۲
	سبک دلبستگی ایمن	۱/۹۳۸	۰/۳۲۵	۰/۳۴۵		۵/۹۵۸	۰/۰۰۱
	سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۱۱۳	۰/۳۵۸	-۰/۰۱۹		-۰/۳۱۵	۰/۷۵۳
	سبک دلبستگی دوسوگرا	-۱/۰۳۲	۰/۳۱۵	-۰/۱۷۶		-۳/۲۷۲	۰/۰۰۱

متغیر وابسته: پایبندی دینی

ضرایب رگرسیون در مدل نهایی جدول ۴ نشان داده شده است. ضریب رگرسیون (B) برای سبک دلبستگی ایمن، برابر با ۱/۹۳۸ و برای سبک دلبستگی دوسوگرا برابر و مقدار ثابت رگرسیون برابر ۱۹/۴۵۹ است. در جدول ۴ همچنین مقادیر t و سطح معناداری متغیرهای یاد شده، کمتر از ۰/۵ هستند که نشان می‌دهند این ضرایب از لحاظ آماری معنادار هستند. بر اساس نتایج جدول ۴، بزرگ‌ترین ضریب بتا برابر با $\beta = ۰/۳۴۵$ است که مربوط به سبک دلبستگی ایمن می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که سبک دلبستگی ایمن، سهم بیشتری در تبیین پایبندی مذهبی دارد. به عبارتی دیگر متغیر سبک دلبستگی ایمن، پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری در پیش‌بینی پایبندی مذهبی افراد نمونه می‌باشد. سبک دلبستگی دوسوگرا نیز به میزان $\beta = -۰/۱۷۶$ در پیش‌بینی پایبندی مذهبی افراد نمونه نقش معناداری دارد. سایر مولفه‌ها، نقش معناداری در این مدل نداشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی پایبندی مذهبی دانشجویان دختر بر اساس منبع کنترل و سبک دلبستگی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدل مفهومی پژوهش دارای برازش مناسبی با داده‌ها است. در بررسی نتایج ماتریس همبستگی پژوهش حاضر مشخص شد که رابطه بین منبع کنترل با پایبندی مذهبی، مثبت و معنادار است. در مورد تأیید رابطه مثبت بین پایبندی مذهبی و دیگر متغیرها، یافته‌های پژوهشی زیادی وجود دارند از جمله: نتایج پژوهش (رضاییان بیلندی، رحمتی، رضوانی دیوکلائی، ۱۴۰۲؛ رابطه مثبت و معنادار بین جهت‌گیری مذهبی درونی و عزت نفس با بهزیستی روان‌شناختی)، (سراج‌زاده، ۱۴۰۱؛ ارتباط بین باور و عقاید مذهبی با پایداری روابط همسران در زندگی زناشویی و خانوادگی)، (عقیلی، باقرپور، ۱۴۰۱؛ رابطه مثبت آموزش خودنظارتی با رویکرد مراقبه اسلامی بر مولفه‌های پایبندی مذهبی «پایبندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی» در دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور کردکوی)، (قمری، ۱۴۰۱؛ رابطه مثبت بین سبک زندگی اسلامی و عملکرد تحصیلی)، (ملکی، ۱۴۰۰؛ رابطه مثبت بین سبک زندگی اسلامی و عملکرد تحصیلی)، (آشناد، رضاییان بیلندی، احمدی، ۱۳۹۹؛ رابطه مثبت و معنادار بین سبک دلبستگی ایمن و جهت‌گیری مذهبی درونی با تعهد زناشویی)، (خالقیان و همکاران، ۱۳۹۸؛ نقش تعیین‌کننده پایبندی مذهبی، نگرش به

هرزه‌نگاری و خودکنترلی در پیش‌بینی میل به هرزه‌نگاری اینترنتی)، (صادقی، قادری جاوید و شلانی، ۱۳۹۸؛ رابطه مثبت و معنادار بین جهت‌گیری مذهبی درونی افراد با مؤلفه تعهد ساختاری و بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با مؤلفه تعهد شخصی زناشویی)، (اولایر؛ Eolaier, 2019؛ نقش پیش‌بینی‌کنندگی باورهای مذهبی در سرزندگی تحصیلی)، (لوریرو، دی‌رزند، کوتینهو، بورگس و لوجیت؛ Loureiro, de Rosende, Coutinho, Burgess, and Lucchit, 2019؛ رابطه مثبت بین اعتماد به خدا و کنارآمدن مذهبی با کاهش سطح علائم افسردگی و ارتقای امنیت روانی)، (پایو و تامپی؛ Pio & Tampi, 2018؛ رابطه مثبت و معنادار بین به کارگیری مراقبه‌های معنوی بر کیفیت زندگی و رضایت فرد از زندگی).

پایبندی مذهبی بر ارتباط بین فردی افراد تأثیرگذار است و می‌توان با تغییر در آن، الگوهای ارتباطی را تغییر داد. عدم پایبندی مذهبی و عدم تعهد نسبت به معیارها، ارزش‌ها و اصول دینی و مذهبی موجب می‌شود فرد، امیالش را راهنمای افکار، اعمال و رفتار خود سازد. زمانی که پایبندی مذهبی ضعیف باشد و یا وجود نداشته باشد؛ در شرایط بحرانی که منافع فرد به خطر می‌افتد، ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی نیز کارایی خود را از دست می‌دهند و ممکن است برای حفظ منافع خود دست به هر عمل غیر خدایی و غیر اخلاقی بزند (فروزش، روشن‌چسلی، غلامی فشارکی، محسنی‌زاده، ۱۳۹۸).

دین می‌تواند در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و اضطرابی با صمیمیت زناشویی زوجین نقش تعدیل‌کننده داشته باشد. در واقع دینداری می‌تواند به این شکل تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی باشد که افراد برای جبران فقدان دلبستگی ایمن خود در کودکی یا بزرگسالی، با اشکال و تصاویر مذهبی، به عنوان مثال خدا، رابطه دلبستگی تشکیل دهند و از صمیمیت بیشتری برخوردار باشند (Granquist, Kirkpatrick, 2008, p.933؛ به نقل از آشناد، رضاییان بیلندی، احمدی، ۱۳۹۹). خوانین‌زاده نشان داد که دلبستگی ایمن در دانشجویانی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند، بیشتر از دانشجویانی است که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند (فروزش، روشن‌چسلی، غلامی فشارکی، محسنی‌زاده، ۱۳۹۸).

فروزش و همکاران (۱۳۹۸) بیان کردند که پایبندی مذهبی موجب می‌شود فرد افکار، اعمال و امیال خود را بر اساس معیارهای مذهبی تنظیم کند. در دیدگاه چنین فردی؛ تمامی تجربیات زندگی روزمره، رنگی خدایی می‌گیرد و فرد سعی می‌کند در همه رویدادهای زندگی، خدا را شاهد و ناظر اعمال خود ببیند و بر طبق اصول و موازین دین عمل کند. همچنین پایبندی به ارزش‌های دینی، موجب سلامت و نشاط روحی و روانی فرد می‌شود. همچنین بر طبق نتایج پژوهش‌های پیشین، افراد مذهبی از سبک و شیوه زندگی سالم‌تر و متعادل‌تری استفاده نموده و از قابلیت سازگاری و کنار آمدن بالاتر برخوردار هستند و در مقایسه با افرادی که از نظر اعتقادات دینی ضعیف‌تر هستند؛ احساس آرامش، امنیت و خوشبختی بیشتری دارند (نوابخش و پوریوسفی، ۱۳۸۵). مرور پژوهش‌های انجام شده، نشان می‌دهد سبک زندگی اسلامی به منزله متغیر پیش‌بین، نقش تعیین‌کنندگی در متغیرهای مهم و اثرگذار در زندگی فردی و اجتماعی دارد. همچنین، سبک دلبستگی می‌تواند زمینه‌ساز نحوه مواجهه فرد با مسائل زندگی باشد و شیوه نگرش او را نسبت به مسائل و مشکلات مشخص سازد (محمودپور، فرحبخش، حسینی و بلوچ‌زاده، ۱۳۹۷).

افرادی که دارای دلبستگی ایمن هستند، پایبندی بیشتری به دین دارند و رابطه آنها با مسائل معنوی و خداوند بهتر و پایدارتر است. همچنین پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به طور منفی و معناداری پایبندی مذهبی را پیش‌بینی نمی‌کنند. در کل، دلبستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوحی پایین‌تر از صمیمیت و تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل‌مشغولی درباره روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است (Granqvist, 2005؛ به نقل از محمودی‌ریحانی و صفرزاده، ۱۳۹۷). همچنین در پژوهش‌های پیشین، مشخص شده است که ویژگی‌های اصلی افرادی با دلبستگی ناایمن دوسوگرا یعنی تردید، تعارض، دشمنی، درماندگی، آشفتگی و تکانشوری، آن‌ها را به شدت در معرض درگیری، تضاد، درماندگی و رفتار ناسازگارانه موقعیت‌های تنش‌زا و روابط اجتماعی قرار می‌دهد (Besharat, Golinejad, & Ahmadi, 2003؛ به نقل از محمودی‌ریحانی و صفرزاده، ۱۳۹۷). افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی، رفتارهای اضطرابی با روش‌های منفی را برای خود و در مقابل رفتارهای اضطرابی با روش‌های مثبت را برای دیگران انتخاب می‌کنند. پژوهشگران دلیل این‌گونه رفتارهای اضطرابی را نیاز شدید این افراد به تأیید دیگران می‌دانند که در نتیجه نگرانی از طرد و رها شدن به دلیل داشتن تصور منفی از خود ایجاد

شده است. میکولینسر و شاور (Mikulincer & Shaver, 2007) گزارش کرده‌اند که افرادی با این نوع سبک دلبستگی، خودتنظیمی اندکی دارند و هرچه انگیزه‌های مذهبی درونی‌تر شود، تضاد سبک دلبستگی اضطرابی با آن بیشتر می‌شود، چرا که این افراد می‌ترسند با پذیرش خودشان، دیگران را از دست بدهند؛ بنابراین خود ضعیفی را رشد داده‌اند. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی، بستر مناسبی را برای دوری از هرگونه تعلق خاطر به عقاید و باورهای مذهبی فراهم خواهد آورد. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی، دارای تعهد پایینی هستند و همچنین فقدان شایستگی این افراد را به دیگران نشان می‌دهد. این افراد از رویارویی با مشکلات طفره می‌روند؛ چرا که احساس فقدان شایستگی داشته و انگیزه‌های بیرونی‌تری در انجام کارهای خود دارند. کرک (Kerk, 2005) معتقد است که افراد دلبسته اجتنابی، خدا را دور از دسترس می‌پندارند و دارای انگیزه‌های مذهبی-بیرونی هستند. ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و تصویرسازی ذهنی عشق به خدا، مثبت است و سبک دلبستگی ناایمن، ارتباطی با وابستگی‌های مذهبی افراد ندارد. در هر حال، بیشتر پژوهش‌ها بین دلبستگی ایمن و دینداری ارتباط مثبت نشان داده‌اند (نیک‌منش و همکاران، ۱۳۹۵؛ به نقل از وجدانی، کرمی و احمدی، ۱۳۹۹).

در واقع می‌توان گفت افرادی که دارای منبع کنترل درونی و سبک دلبستگی ایمن هستند، در مواجهه با مسائل و مشکلات، خود را در پناه خدا حس کرده و با تکیه به معنویت و خداوند به دنبال راهی برای حل مسائل خود هستند. این افراد هر اندازه که پایبندی بیشتری نسبت به دین داشته باشند، می‌توانند با آرامش و اعتماد بیشتر به خداوند تکیه کرده و در تمام امور زندگی با بینش و نگرشی مثبت به دنبال راه حل باشند. با توجه به نقش مذهب و اعتقادات مذهبی در ابعاد مختلف زندگی می‌توان این‌گونه بیان کرد که افرادی که پایبندی مذهبی بیشتری دارند، در مسائل و مشکلاتی که با آن‌ها مواجه می‌شوند سعی می‌کنند منبع کنترل درونی خود را فعال کرده و با ارتباطات و اعمال مذهبی خود را کنترل نموده و جریان امور را با توکل به نیرویی مافوق در دست گرفته و از بحران‌ها عبور کنند. همچنین این افراد دلبستگی ایمن به خداوند دارند که این مسئله، خود باعث آرامش و اتکای بیشتر آن‌ها در مسائل و مشکلات به خداوند می‌شود.

پژوهش حاضر مانند بیشتر پژوهش‌هایی که در حوزه علوم رفتاری صورت می‌گیرد با محدودیت‌هایی همراه بود که شناخت آنها برای انجام پژوهش‌های بعدی و تلاش برای کاهش یا رفع این محدودیت‌ها، منطقی به نظر می‌رسد.

- این پژوهش فقط در دانشگاه الزهرا «س» (دانشگاهی تک‌جنسیتی و در شهر تهران) و بر روی دانشجویان این دانشگاه، اجرا شده که توجه به متغیرهای جنسیت، محل سکونت و جوامع آماری دیگر همچون پرستاران، کارمندان و افراد خانه‌دار و گروه‌های سنی دیگر می‌تواند در متغیرهای مورد نظر تاثیرگذار باشد و لازم است در پژوهش‌های آتی به آن پرداخته شود.

- به دلیل بازداری رفتاری تعدادی از دانشجویان نسبت به موضوعات دینی، دسترسی به جامعه آماری با دشواری همراه بود که به منظور رفع این گونه بازداری‌ها؛ تشکیل و ایجاد انجمن‌های مذهبی، کانون‌های فرهنگی و شوراهای اسلامی و سایت‌های آموزشی-مذهبی در دانشگاه‌ها به منظور پایبندی دانشجویان به ارزش‌های مذهبی و تقویت این ارزش‌ها در دانشگاه‌ها با کمک استادان و مشاوران مذهبی، روحانیون و صاحب‌نظران در حوزه اعتقادات دینی به منظور پاسخگویی به سؤال‌های مذهبی دانشجویان پیشنهاد می‌شود.

- پژوهش حاضر دارای طرح همبستگی بوده و از محدودیت‌های اصلی طرح‌های همبستگی، قطعی نبودن استنباط علی از آنهاست (بیابانگرد، ۱۳۸۴، ص ۲۷۳) و به این دلیل باید در استنباط علی از آن باید احتیاط کرد.

- از دیگر محدودیت‌های پژوهش می‌توان به خودگزارشی بودن و تعداد زیاد سؤالات ابزار پژوهش اشاره کرد. در ابزارهای خودگزارش‌دهی، معمولاً پاسخ‌هایی جمع‌آوری می‌شود که دیگران فکر می‌کنند، باید درست باشد. افراد در تکمیل کردن این ابزارها، ممکن است خویشتن‌نگری کافی نداشته باشند و مسئولانه به گویه‌ها پاسخ ندهند. همچنین به دلیل وجود پرسش‌های زیاد و زمان‌بر بودن پاسخ به پرسش‌ها، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی برای جمع‌آوری اطلاعات تا حد امکان از فرم‌های کوتاه پرسش‌نامه‌ها استفاده گردد.

- پیشنهاد دیگر، این است که در پژوهش‌های بعدی با به کار بستن روش‌های آزمایشی و شبه‌آزمایشی و با استفاده از ابزارهایی همچون مشاهده و مصاحبه، روابط علی بین متغیرهای این پژوهش بررسی شوند.

منابع

- آشناد، فائزه؛ رضاییان بیلندی، حسین؛ احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۹). نقش تعدیل‌کننده جهت‌گیری مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تعهد زناشویی. *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۷ (۱۳)، ۵۳-۷۶.
- افشاری، علی. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با خود ناتوان‌سازی در دانشجویان. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۵ (۱)، ۹۱-۹۹.
- ایمر، فرشید، گرکز، منصور. (۱۳۹۶). شیب لغزنده یا رفتار جبرانی: نقش منبع کنترل و عاطفه منفی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی حسابداری. *دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۲ (۴)، ۱۲۳-۱۵۲.
- براتیان، روح‌الله؛ شمسایی، محمدمهدی. (۱۳۹۸). حیای جنسی، خودشفقت‌ورزی و سبک‌های دلبستگی به خداوند؛ مقایسه زوجین متقاضی طلاق و عادی. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی*، ۱۳ (۲۵)، ۶۹-۸۹.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۹۲). مقیاس دلبستگی بزرگسال: پرسش‌نامه، شیوه اجرا و کلید نمره‌گذاری. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۹ (۳۵)، ۳۱۷-۳۲۰.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: نشر دوران.
- ترک براهویی، یوسف؛ عرب، علی؛ نیک‌منش، زهرا. (۱۳۹۹). نقش هوش اخلاقی در پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۷ (۴۰)، ۱-۱۹.
- تنهای رشوانلو، فرهاد؛ عباسی‌فر، محمد؛ کارشکی، حسین؛ ارخودی قلعه‌نویی، مهدی. (۱۴۰۰). تبیین خوش‌بینی در دانشجویان بر اساس تجارب معنوی روزانه و عواطف مثبت و منفی. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰ (۹)، ۶۶-۱۲۰.
- جان‌بزرگی، مسعود. (۱۳۸۸). ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه. *فصلنامه علمی-تخصصی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*، ۳ (۵)، ۷۹-۱۰۵.
- حسینی، زهرا؛ تاجیک اسماعیلی، عزیزاله؛ محسن‌زاده، فرشاد. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر ابعاد نگرش به ازدواج در افراد در شرف ازدواج با توجه به سبک‌های دلبستگی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۲۲ (۴)، ۴۳-۵۷.
- خالقیان، آرزو؛ سجادیان، ایلناز؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ منشی، غلامرضا. (۱۳۹۸). بررسی نقش میانجی نگرش به هرزه‌نگاری و خودکنترلی در رابطه بین پایبندی مذهبی و میل به هرزه‌نگاری اینترنتی. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۳۶ (۵۵-۷۲).
- رضازاده، فرزانه؛ رضایی، فرزین؛ حمیدی، ناصر؛ بنی‌مهد، بهمن. (۱۴۰۲). تأثیر خودکارآمدی، منبع کنترل و ویژگی‌های تاریک شخصیت بر مدیریت سود فرصت‌طلبانه. *فصلنامه علمی-پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۲ (۱)، ۲۸۷-۳۰۰.
- سراج‌زاده، حسن. (۱۴۰۱). نقش اعتقادات مذهبی در پیش‌بینی پایداری روابط همسران. *سبک زندگی اسلامی*، ۶ (۲)، ۵۲۰-۵۲۷.
- رضاییان بیلندی، حسین؛ رحمتی، امین؛ رضوانی دیوکلائی، زینب. (۱۴۰۲). بهزیستی روان‌شناختی زنان بر اساس جهت‌گیری مذهبی و عزت نفس: یک مطالعه تحلیل مسیر. *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۱۰ (۱۸)، ۲۵۷-۲۸۴.
- عظیم‌پور، علیرضا؛ نعمتی‌هاییل، فاطمه؛ هادیان‌فرد، حبیب. (۱۳۹۹). پیش‌بینی پرخاشگری دانشجویان بر اساس هوش، خلق و خو و دلبستگی. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۳۷ (۶۵-۸۶).
- عقیلی، پرستو؛ باقرپور، معصومه. (۱۴۰۱). تأثیر آموزش خودنظارتی با رویکرد مراقبه اسلامی بر امنیت روانی و پایبندی مذهبی دانشجویان. *دوفصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۱۰ (۱۸)، ۲۶۱-۲۸۵.
- غلامی چهکنند، فریبا؛ محمدزاده قصر، اعظم و سعیدی رضوانی، محمود. (۱۳۹۶). تحلیل مسیر دینداری و منبع کنترل دانشجویان و نگرش به آینده شغلی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۳ (۴)، ۱۲۱-۱۴۳.

- فروزش، سجاده؛ روشن‌چسلی، رسول؛ غلامی فشارکی، محمد و محسنی‌زاده، معصومه. (۱۳۹۸). تدوین مدل ارتباط با خانواده همسر بر اساس مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی با میانجی‌گری پایبندی مذهبی. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۷ (۲)، ۶۳-۷۶.
- قمری، محمد. (۱۴۰۱). پیش‌بینی سرزندگی تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانشجویان بر اساس سبک زندگی اسلامی. *دوفصلنامه علمی روان‌شناسی فرهنگی*، ۶ (۱)، ۱۷۹-۱۹۸.
- قמוש، زهرا؛ میرکمالی، محمد؛ احتشام، زهرا. (۱۴۰۱). رابطه کانون کنترل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی با میانجی‌گری اخلاق حرفه‌ای در بین معلمان ابتدایی شهر ری. *دوفصلنامه پویا در آموزش علوم تربیتی و مشاوره*، ۸ (۱۶)، ۶۹-۹۱.
- کلانترهمزی، آتوسا؛ عسلی طالکوئی، سکینه و مرادی لیاولی، قاسم. (۱۳۹۴). پیش‌بینی تاب‌آوری روان‌شناختی بر اساس میزان پایبندی مذهبی در زنان متأهل. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۵ (۱۹)، ۱۱۹-۱۳۸.
- محمودپور، عبدالباسط؛ دهقان‌پور، ثنا؛ وظیفه‌دان، فرشته. (۱۳۹۹). پیش‌بینی تحمل پریشانی بر اساس سبک‌های دلبستگی، تحمل ناکامی و نگرش مذهبی در زنان مطلقه. *رویش روان‌شناسی*، ۹ (۴)، ۹۳-۱۰۲.
- محمودپور، عبدالباسط؛ فرحبخش، کیومرث؛ حسینی، به‌رزان و بلوچ‌زاده، الهام. (۱۳۹۷). پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان بر اساس شیوه‌های دلبستگی، خودشفقتی و تحمل پریشانی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۸ (۱)، ۶۵-۸۴.
- محمودی‌ریحانی، لیلا؛ صفرزاده، سحر. (۱۳۹۷). مدل ساختاری سازگاری اجتماعی مذهب‌محور از طریق سبک‌های دلبستگی به خدا و سبک‌های مقابله اسلامی با میانجی‌گری عمل به باورهای مذهبی در دانشجویان. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۲ (۴)، ۱۷۹-۱۸۵.
- مرتضایی، نسترن؛ بهرامی‌احسان، هادی؛ رضازاده، محمدرضا و فیروزی، منیژه. (۱۴۰۱). طراحی و ارزیابی مدل پیش‌بینی مصرف مواد مخدر در میان دانشجویان: نقش نگرش مذهبی، نگرانی از نرسیدن به آرزوها، افسردگی و خشم و عصبانیت. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۳ (۲)، ۵۵-۶۹.
- مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز، فتحی، کیهان، و شهنی‌یلاق، منیجه. (۱۳۸۸). افسردگی، هیجان‌خواهی، پرخاشگری، سبک‌های دلبستگی و وضعیت اقتصادی اجتماعی به عنوان پیش‌بین‌های وابستگی به مواد مخدر در نوجوانان پسر شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۵ (۱)، ۱۵۳-۱۷۸.
- نوابخش، مهرداد، و پوریوسفی، حمید. (۱۳۸۵). نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان. *پژوهش دینی*، ۱۴، ۷۱-۹۴.
- وجدانی، شهریار؛ کرمی، مریم و احمدی، صدیقه. (۱۳۹۹). بررسی نقش تعدیل‌گری باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متأهل. *مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*، ۱۸ (۲)، ۱۹۳-۲۲۰.
- یارباری، فریدون؛ مرادی، علیرضا و یحیی‌زاده، سلیمان. (۱۳۸۶). رابطه هوش هیجانی و منبع کنترل با سلامت روان‌شناختی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران. *مجله مطالعات روان‌شناختی*، ۳ (۱)، ۴۰-۲۱.

Besharat, M. A. (2011). Development and validation of Adult Attachment Inventory. *Procedia - Social & Behavioral Sciences*, 30, 475-479.

Besharat, M.A., Golinejad, M., Ahmadi, A.A. (2003). An investigation of the relationship between attachment styles and interpersonal problems. *Iranian J Psychiatry Clin Psychol.*, 8(4), 74-81. URL: <http://ijpcp.iuums.ac.ir/article-1-218-en.html>

Bradshaw, M., Kent, B.V. (2018). Prayer, Attachment to God, and Changes in Psychological Well-Being in Later Life. *J Aging Health*, 30(5), 667-691. doi: 10.1177/0898264316688116.

Eolaier C. (2019). Spiritual well-being: conceptualization and measurement. *Journal of Psychology and Theology*, 11, 330-40.

Fountoulakis, K.N., Siamouli, M., Magiria, S., Kaprinis, G. (2008). Late-life depression, religiosity, cerebrovascular disease, cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly: interpreting the data. *Med Hypotheses*, 70(3), 493-496.

- Granqvist, P. (2005). Building a bridge between attachment and religious coping: tests of moderators and mediators. *Ment Health Relig Cult*, 8(1), 35–47. <https://doi.org/10.1080/13674670410001666598>
- Loureiro, A. C.; de Rezende, Coelho M. C.; Coutinho, F. B.; Borges, L. H.; and Lucchetti, G. (2019). The Influence of Spirituality and Religiousness on Suicide Risk and Mental Health of Patients Undergoing Hemodialysis. *Comprehensive Psychiatry*, 80, 39-45.
- Pio, R. J.; and Tampi, J. R. E. (2018). The Influence of Spiritual Leadership on Quality of Work Life, Job Satisfaction and Organizational Citizenship Behavior. *International Journal of Law and Management*, 60 (2), 757-767.
- Rotter, J. B. (1966). "Generalized Expectancies for Internal Versus External Control of Reinforcement. *Psychological Monographs*, 80, 1–28.
- Santero, M., Daray, F. M., Prado, C., Hernández-Vásquez, A., & Irazola, V. (2019). Association between religiosity and depression varies with age and sex among adults in South America: Evidence from the CESCAS I study. *Plos One*, 14(12), 1-12.
- Yusmarhaini, Y., & John, S.W. (2013). A survey of family therapists' adult attachment styles in the United Kingdom. *Journal of Contemporary Family Therapy*, 12, 132-146.